

# این همه تنش و تشنج در افغانستان تقصیر کیست؟؟؟

{ دولت و تیم تشکیل دهنده دولت، ناتو و پنتاگون و یاجنگسالاران و پول پرستان؟ }

بخش – دوم (زیمیر و اسکاری)



آیا انسان و تنش را می‌فروشد؟  
آب و ناناش را خوردید  
آیا در این دنیا عزیزتر از وطن هست؟  
آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟  
پاره پاره‌اش کردند  
گیسوانش را گرفتند و کشیدند  
کشان کشان بردند و تقدیم کافر کردند  
آقایان، چگونه به این وطن رحم نکردید؟  
دست‌ها و پاها بسته در زنجیر،  
وطن، لخت و عور بر زمین افتاده  
و نشسته بر سینه‌اش گروهیان تکرّاسی.  
آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟  
می‌رسد آن روز که چرخ بر مدار حق برگردد  
می‌رسد آنروز که به حساب‌های شما برسند  
می‌رسد آن روز که از شما بپرسند:  
آقایان چگونه به این وطن رحم نکردید؟ (ناظم حکمت)

## ناتو و پنتاگون



امروز بعد سیاسی و امنیتی حضور نیروهای ناتو در افغانستان صرفاً به بعد نظامی تبدیل شده است و مصارف سنگینی که در این زمینه به نیروهای ناتو در افغانستان وارد شده است به مردم غیر نظامی نیز تعمیم پیدا کرده است

به گونه‌ای که مردم بیش از طالبان مورد هدف قرار می‌گیرند و در بسیاری از حملات جنگنده‌های ناتو، غیرنظامیان هدف قرار داده می‌شوند تا نیروهای طالبان. در واقع وضعیت فعلی نیروهای ناتو در افغانستان باز هم بازمی‌گردد به اشتباهات فاحش سیاست‌های خارجی دولت بوش. این دولت بدون داشتن اطلاعات کافی از وضعیت موجود در افغانستان و بدون کسب آگاهی‌های لازم نسبت به ماهیت و هویت ملت افغانستان برنامه‌ریزی‌های قبل و بعد از جنگ افغانستان را پی‌ریزی کرد. از آنجایی که اروپایی‌ها چون آمریکایی‌ها چندان تمایل و اصراری بر ادامه‌ی تلفات سنگین جنگی آن هم در جنگی که نتایج پایانی‌اش از همان ابتدا مشخص بود، ندارند تلاش می‌کنند که با حداکثر هزینه، امکانات و نیرو طالبان را شکست دهند و فعالیت عناصر این افراطیون را ریشه کن کنند اما این امر میسر نیست. نیروهای خارجی از طریق بمباران مناطق مسکونی که با ادعای پناه گرفتن طالبان در آن مناطق انجام می‌شود، باعث کشتار مردم شده‌اند. اعتراض به عملکرد نیروهای آمریکایی و ناتو که بارها از طریق سازمان‌های غیردولتی، نهادهای حقوق بشر و مردم کشور ابراز شده است، هیچگاه مورد توجه مقامات کاخ سفید و رهبران ناتو قرار نگرفته است. اما گسترش دامنه اعتراض‌ها به رفتار نیروهای خارجی که این پارتوسط تشکل‌های امداد رسانی صورت می‌گیرد، بیانگر وجود مخالفت گسترده با خشونت طلبی و شکنجه و متحدینش در افغانستان است. به اعتقاد کارشناسان، عملیات هوایی آمریکا و ناتو که به افزایش تلفات مردم عادی منجر شده ناشی از نگرانی نیروهای خارجی از عملیات زمینی است.

بی‌تردید نادیده گرفتن زندگی انسانی در کشور و کشتار مردم از سوی ائتلاف هرگز از خاطره افکار عمومی جهان پاک نخواهد شد. در پی انتقادهای شدید مردم از اقدامات نیروهای خارجی، ناتو به اشتباه در عملکرد خود در افغانستان اعتراف کرد. تهدید جان مردم از طریق عملیات بی‌هدف ناتو، نوعی ناامنی روانی را در سطوح مختلف جامعه به وجود آورده است. علاوه بر این گستردگی عملیات هوایی ناتو باعث شده است روند بازسازی دچار رکود شود.

بنابراین تا زمانی که نیروهای خارجی برنامه‌ای روشن و هدفمند برای مبارزه با تروریسم تدوین نکنند، کاهش کشتار غیرنظامیان، ثبات داخلی و رونق اقتصادی در افغانستان میسر نمی‌شود. انتشار گزارش‌های محافل اطلاعاتی - امنیتی آمریکا در گذشته نشان داد که سیاست‌های کاخ سفید به افزایش تروریسم و ناامنی در جهان منجر شده و تروریسم بین‌المللی را گسترش داده است. روزی نمی‌گذرد که خبر کشته شدن تعدادی از مردم غیر نظامی در حملات جنگنده‌های آمریکا منتشر نشود و پس از آن طولی نمی‌کشد که فرماندهان نظامی ناتو با اتخاذ موضع‌گیری اعلام می‌دارند این افراد مظنون به عضویت در تشکلات طالبان هستند. گویا به جای آن که جنگنده‌های آمریکا از بمب‌های هوشمند برای بالا بردن سطح هدف‌گیری دقیق استفاده کنند، از بمب‌های کودن که هیچ دقتی در هدف‌گیری ندارند استفاده می‌کنند و گرنه چگونه ممکن است که در هر بار حمله‌ی نظامی جنگنده‌های آمریکایی به مناطقی که مظنون به فعالیت طالبان هستند بیشتر غیرنظامیان هدف قرار داده می‌شوند! ابراز تاسف و انجام عذرخواهی از سوی یک طرف نظامی نسبت به اشتباهی که در انجام ماموریت و هدفی که به او موکل شده است یک امر معمول و بلکه یک اصل دیپلماتیک کاملاً معروف است طوری که امروز سیاست عذرخواهی و ابراز تاسف نسبت به اشتباه سیاسی یا نظامی به عنوان یکی از اصول عامه‌ی دیپلماسی تعریف می‌شود؛ اما این تاسف هرگز نمی‌تواند از بار مسوولیت قانونی و انسانی مربوط به جنگ‌های نظامی بکاهد، و آنگهی تاسف و اشتباه نیز بار معنایی خود را دارد.

زمانی که در برهه‌ای از زمان عذرخواهی نسبت به امری انجام می‌گیرد به آن معنا است که آن اشتباه دوباره تکرار نخواهد شد اما این موضوع درباره‌ی افغانستان و عراق قابل تطبیق نیست زیرا یک نوع جنایت همیشه در حال تکرار شدن است و همیشه غیرنظامیان مسلح در حملات نیروهای آمریکا در عراق و نیروهای ناتو و آمریکا در افغانستان قربانی می‌شوند. بنابراین ابراز تاسف و عذرخواهی از اشتباهی که بعضاً به یک واقعیت تبدیل شده است، اصلاً قابل قبول نیست. یاپ دو هوپ شفر، سکرتر جنرال ناتو در توضیح کشته شدن بیش از بیست و پنج غیرنظامی که در حملات جنگنده‌های ناتو در جنوب افغانستان هدف قرار داده شدند، به اختصار می‌گوید کشته شدن این بیست و پنج نظامی امر بسیار تاسف‌باری است.

در این باره که نظامیان آمریکایی بطور مرتب به سوی غیرنظامیان تیراندازی می‌کنند جای بحث وجود ندارد. این گونه عملیات آنقدر تکرار شده است که حتی کرسی ضمن انتقاد نمایشی و بی‌نتیجه از عملکرد نظامیان آمریکایی گفته است که آمریکایی‌ها بجای طالبان مردم عادی را می‌کشند. مراسم عروسی در قندهار، کشتار در پنج‌جوابی قندهار، هلمند، جلال‌آباد، نورستان و حتی در کابل مردم مظلوم افغانستان مورد حمله نظامیان آمریکایی قرار گرفته‌اند و هر بار که سربازان آمریکایی اقدام به کشتار مردم غیرنظامی کرده‌اند و معلوم شده است که افراد بی‌گناه هدف قرار گرفته‌اند.

فاجعه بارتر این که این گونه جنایات به افراد معمولی نظامی آمریکایی نسبت داده شده و تلاش شده است هدایت فرماندهان نظامی کم‌اهمیت جلوه داده شود. این درحالی است که استراتژی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در اولویت قرار گرفتن جان سربازانش است و در این راستا آنها مختارند به‌گونه‌ای که صلاح می‌دانند عمل نمایند. بنابراین بحث اشتباه یا عمل خودسرانه یک نظامی آمریکایی مطرح نیست، بلکه خط مشی نظامی آمریکا در

افغانستان مطرح است که محور اساسی آن اعمال خشونت به قصد مرعوب کردن مردم است. این موضوعی است که در داخل آمریکا نیز انتقاداتی را برانگیخته است.

چنانکه گزارش واشنگتن پست اشاره می کند که آدام اسمیت رئیس تیم مجلس نمایندگان آمریکا که نیروهای عملیات ویژه را نظارت می کند، درباره گزارش کشتن مردم بی گناه و فیر نظامیان آمریکایی به غیرنظامیان در افغانستان گفته است، این گزارش ها شامل چیزی بیش از مدارک کافی درباره اشتباهات نیروهای دریایی هستند و اطلاعات بسیار آزردهنده ای در این گزارش ها وجود دارد که باید درباره آنها تحقیقاتی شود.

باین حال و به رغم انتشار گزارش های افشاگرانه از کشتار مردم در افغانستان، فرماندهان نظامی آمریکا توجهی به این گونه گزارش ها ندارند و در جریان عملیات جستجو اساسی ترین حقوق مردم افغانستان را نادیده می گیرند و کوچکترین اعتراضی را با گلوله پاسخ می دهند. کارشناسان مسائل افغانستان بر این باورند که یکی از دلایل افزایش حمایت از طالبان کشتار غیرنظامیان و اعمال خشونت نظامیان آمریکایی علیه مردم بی گناه افغانستان است که از سر اجبار به طالبان پناه می برند.

هر روز که می گذرد برآمار تلفات غیر نظامیان در اثر بمبارانهای جنگنده های آمریکایی و ناتو افزوده می شود و بموازات آن خشم و نارضایتی مردم نیز از عملکرد نیروهای خارجی در حال افزایش است. این وضعیت دیر یا زود خارجی ها را به بن بست خواهد کشاند و در نهایت موجب شکست و ناکامی آنها خواهد شد. از طرف دیگر در اثر وقوع انفجار های متعدد و قوی در شهر کابل و از جمله انفجار خونین در بس استادان و افسران اکادمی پولیس، دهها افسر و استاد اکادمی کشته و زخمی شدند.

پولیس پایتخت اعلام کرد، در این انفجار علاوه بر تلفات نیروهای پولیس برخی از غیرنظامیان نیز جان خود را از دست دادند. به گفته منابع محلی، انفجار کابل قوی ترین انفجار در شش سال اخیر بوده است. شدت انفجار در کابل به حدی بود که برخی منابع خبری این حادثه را به انفجارهای خونین بغداد تشبیه می کنند. همچنان وقوع دو انفجار های هم مانند دیگر در کابل، قندهار، نیمروز، هرات، بغلان و مزار شریف باعث کشته و زخمی شدن تعدادی از غیرنظامیان شد.

وقوع انفجار ها در افغانستان نگرانی های وسیعی در میان مردم ایجاد کرده است. انفجار در شهر کابل که پسته های متعدد و تلاشی نیروهای آمریکایی در آن وجود دارد، حاکی از ناتوانی آنها در تامین امنیت است. در درگیری نیروهای خارجی و پولیس با طالبان یا وقوع انفجارهای تروریستی، بیشترین آسیب بر مردم عادی وارد می شود برخی گزارش ها حاکی است که در درگیری های سال جاری در افغانستان بیش از پنج شش هزار نفر کشته شده اند و اکثر قربانیان را غیرنظامیان تشکیل می دهند.

قبول مسئولیت انفجار در کابل توسط طالبان حاکی از تشدید فعالیت های تروریستی آنها در افغانستان است. با گذشت شش سال از حضور آمریکا و متحدینش در افغانستان که با شعار سرکوب طالبان آغاز شد، همچنان تحرکات تروریستی ادامه دارد. موقعیت جغرافیایی افغانستان و هراس از افزایش تلفات در درگیری های زمینی با طالبان، نیروهای آمریکایی و ناتو را به سمت عملیات های هوایی سوق داده است.

هرچند که نیروهای خارجی حضور طولانی مدت در افغانستان و همچنین آسیای مرکزی تمایل چندانی به نابودی کامل طالبان ندارند. در بمباران های ناتو نیز مردم غیر نظامی بیشتر در معرض تهدید قرار می گیرند. افزایش تلفات غیرنظامیان در طول یکسال گذشته موید این دیدگاه است.

یکی از مهمترین وجوه ضعف دولت کرزی، به عنوان دولت مورد حمایت آمریکا، عدم توانایی برخورد قاطعانه با جنایت های آشکار سربازان ناتو و آمریکا است. امروز، نیروهای ائتلاف بی پروا غیرنظامیان را از طریق حملات هوایی مورد هدف قرار می دهند! بدون اینکه از سوی دولت مورد مواخذه قرار گیرند؛ زیرا کرزی با امضای سند مصونیت اتباع بیگانه از تعقیب جزایی در افغانستان، حق هرگونه اعتراضی را از دولت خود به سلب نموده است. تداوم وضعیت کنونی، ضمن تضعیف جایگاه دولت در نگاه افغانها و به تأخیر انداختن اجرای پروژه های عمرانی، باعث تقویت روحیه ستیزگرانه در مردم افغانستان خواهد شد.

اگرچه آمریکایی ها هدف از راه اندازی جنگ را مبارزه با تروریسم و پیشبرد دموکراسی اعلام کردند، اما اکنون بر بیشتر مردم افغانستان آشکار شده که هدف آمریکا از اشغال کشور بیشتر بازسازی روحیه تضعیف شده مردم آمریکا پس از حادثه یازده سپتامبر و همچنین ممانعت از شکل گیری اتحاد استراتژیک سه قدرت بزرگ، و مسلح به سلاح هسته ای روسیه، چین و هند است و نه تحقق صلح و ثبات در افغانستان.

امروز اذهان عمومی در مورد اشتباه های فاجعه بار آمریکا برضد این کشورکشانده شده است. آمریکا بیش از آنکه در پی تامین امنیت و رفاه مردم باشد، در پی تامین منافع خود است و این امر جو ضدآمریکایی را در افغانستان به شدت افزایش داده است. آمریکا شکست های سیاسی و نظامی خویش را با بمبارد گوشه و کنار وطن، کشتن و بستن مردم بی گناه کشور و جروشکنجه افراد که در زندانها و بازداشتگاه های نیروهای این کشور اسیراند جبران مینماید.

بر اساس اسناد منتشر شده بازجویان نظامی آمریکا با حمله به زندانیان از شیوه های بازجویی که در زمان آموزش دفاع از خود آموخته بودند، بهره گرفته اند. زندانیان در زندان آمریکایها در گریز اظهار داشتند که بازجویان آنها را

و اداری می‌کردند با لباس‌های تر زانو زده و روی زمین بنشینند. آنها هم چنین از ضرب و شتم بازجویان و لگدها و مشت‌های آنها به پهلو، بینی و زانوهایشان در صورت حرکت سخن گفتند.

این اسناد که به اتحادیه‌ی آزادی‌های مدنی آمریکا ارایه شده بر مرگ جمال ناصر، زندانی که در بازداشتگاه گردیز کشته شد، تمرکز دارد. در این اسناد به جزییات تکنیک‌های بازجویی از هشت زندانی از جمله ناصر که مظنون به قاچاق اسلحه بوده، اشاره شده است. در این اسناد آمده است: ضرب و شتم‌ها باعث مرگ ناصر شده. مصاحبه با برخی تحقیق‌کنندگان، به سیلی زدن به زندانیان اعتراف کرده‌اند، گفته شده که اکثر کشته‌شدگان در زندانهای بگرام، قندهار و گردیز اثر لدوکوب جان سپرده‌اند.

بر اساس اسناد سه صد صفحه‌ای در خصوص گفت‌وگو با تحقیق‌کنندگان آمده است: یک مسوول از این تحقیق‌کنندگان پرسیده است: آیا کسی از مقام‌های پایگاه به شما اجازه داده بود که در طی بازجویی زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار دهید؟ این فرد در پاسخ گفته بود: ... من فقط از تاکتیک‌هایی که در آموزشگاه SERE اردو آموخته بودم استفاده کردم. یک منبع مسوول می‌گوید: شیوه‌های بازجویی آموزش داده شده در این آموزشگاه بی‌نظامی تنها بر پایه‌ی بازجویی و اعتراف گرفتن از دشمن قرار دارد.

این شیوه‌ها را می‌توان نوعی شکنجه نیز دانست. وی می‌گوید: از این شیوه‌ها علیه زندانیان در عراق و گوانتانامو نیز استفاده می‌شود. پنتاگون و اردوی آمریکا هنوز در این خصوص توضیحی ارایه نداده‌اند. مرگ ناصر از جمله تحقیقاتی است که در پنتاگون تحت عنوان بدرفتاری با زندانیان در زندان‌های آمریکا در افغانستان انجام می‌شود. همچنان رئیس کمیته صلیب سرخ از حملات خودسرانه آمریکا بی‌ها در افغانستان انتقاد کرد.

کلنبرگ‌پیش از عزیمت به کابل در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در لندن گفت: بازداشت و زندانی کردن افراد باید در چهارچوب قانون صورت گیرد. وی تأکید کرد: زندانیان زندان بگرام که تعداد آنها ششصد نفر اعلام شده است از هیچ تضمینی برای آینده خود برخوردار نیستند. کلنبرگر از وخامت اوضاع انسانی در افغانستان به شدت اظهار نگرانی کرد و گفت: ناامنی رفته رفته در افغانستان عمیق‌تر می‌شود و شرایط نگهداری زندانیان در بگرام رقت‌بار و غیرانسانی و شبیه زندان گوانتانامو در کوبا است.

روزنامه نیویارک تایمز در یکی از شماره‌های اخیر خود مینویسد: در زندان بگرام حدود ۶۳۰ مظنون در شرایطی بدتر از زندان گوانتانامو بدون اتهام خاصی به مدت نامحدودی نگهداری می‌شوند.

مقامات پنتاگون زندان بگرام را که پیشتر کارگاهی مخفی در پایگاه هوایی آمریکا در ۴۰ کیلومتری شمال کابل بود مرکز بازجویی خوانده‌اند. اما به گفته مقامات نظامی آمریکا برخی از بازداشت‌شدگان زندان بگرام دو تا سه سال در حبس بوده‌اند. آنها مانند زندانیان گوانتانامو به وکیل دسترسی ندارند و تفهیم اتهام نمی‌شوند. تنها به آنها گفته می‌شود - بیکار جویان دشمن- هستند.

در حالی که اعضای کنگره آمریکا و خبرنگاران از گوانتانامو بازدید می‌کنند، زندان بگرام از شروع به کار آن در سال ۲۰۰۲ در خفای کامل به فعالیت‌های خود ادامه داده است. مقامات زندان از افشای نام بازداشت‌شدگان به مقامات صلیب سرخ خودداری می‌کنند و تاکنون کسی موفق به گرفتن عکس از این زندان حتی از دور نشده است. از گفته‌های آزادشدگان، مقامات نظامی و سربازانی که آنجا خدمت کرده‌اند می‌توان فهمید که شرایط در بگرام به مراتب سخت‌تر و نگران‌کننده‌تر از شرایط گوانتانامو است. زندانیان حتی از نور خورشید هم محروم‌اند. در حالی که دولت بوش هنوز در تلاش است راهی برای بستن زندان جنجالی گوانتانامو بیابد، تلاش مشابهی که برای کاستن حجم زندان بزرگ‌تر و مخفی‌تری که امریکایی‌ها در افغانستان برپا کرده‌اند به خاطر مشکلات سیاسی، حقوقی و امنیتی با دشواری مواجه شده است. زندان بگرام به رغم اندکی توسعه و بازسازی همچنان یک محل فاقد امکانات است که بیشتر زندانیان آن در پشت میله‌های آهنی بزرگ نگهداری می‌شوند.

زمانی که با حمله آمریکا به افغانستان تحت نام جنگ با تروریسم آغاز شد، دولت بوش برای نگهداری زندانی‌های مظنون و منتصب به القاعده و سایر گروه‌های تروریستی زندان گوانتانامو، در خلیج گوانتانامو کوبا را تأسیس کرد. اکنون که این زندان به مرز هفت سالگی رسیده و بوش رفته رفته به آخرین روزهای ریاست جمهوری خود نزدیک می‌شود، دولت وی قصد دارد این زندان را تعطیل کند. اما زندان گوانتانامو تنها چیزی نیست که دولت بوش مصمم است پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نام آن را از اخبار روز رسانه‌ها به کتاب‌های تاریخ منتقل کند. از جمله مراکزی که دولت فعلی آمریکا ظاهراً قصد ندارد برای دولت بعدی به میراث بگذارد زندانی است مانند زندان گوانتانامو که اردوی آدمکش و اجیرصفت این کشور در بگرام تأسیس کرده است. اما کارشناسان معتقدند کاهش تدریجی شمار زندانیان این مرکز (که به مراتب بیشتر از زندانیان گوانتانامو است)، و در نهایت تعطیلی آن، بر خلاف روندی که در زندان گوانتانامو در پیش گرفته شده است، با مشکلات سیاسی، حقوقی، و امنیتی متعددی روبروست.

اما تقریباً یک سال پس از افتتاح زندان در حومه کابل، مقامات امریکایی به این نتیجه رسیدند که این زندان تنها ظرفیت نیمی از زندانیانی را دارد که ابتدا برای انتقال به آن در نظر گرفته شده بودند. در نتیجه این کاستی مقامات امریکایی به ناچار اعلام کردند زندان امریکایی بگرام همچنان با حضور صدها زندانی تا مدت معینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. اما در همین مدت صلیب سرخ به عنوان تنها سازمان و نهادی غیر از

نظامیان آمریکا که اجازه ورود از زندان مرموز و مخوف بگرام را داشت در گزارش‌های خود به انتقاد شدید از ناتو و پنتاگون به دلیل شیوه رفتار با زندانی‌ها در این مرکز پرداخت.

صلیب سرخ در گزارش محرمانه‌ای که تابستان گذشته در این زمینه منتشر کرد با استناد به گفته‌های دو تن از مقامات آمریکایی نوشت، ده‌ها تن از زندانیان مرکز بگرام در سلول‌های انفرادی که به طور مخفیانه زیرزمین حفر شده‌اند و وجود آن‌ها تا کنون با صلیب سرخ پوشیده بوده است، هفته‌ها و حتی ماه‌ها محبوس بوده‌اند بدون این که اجازه تماس با خارج از زندان یا ملاقات به آن‌ها داده شود. صلیب سرخ در همین گزارش با اشاره به گفته‌های یکی از دو منبع می‌نویسد، نظامیان آمریکایی طی دیدارهای مسوولین صلیب سرخ از زندان بگرام این دسته زندانی‌ها را مخفی کرده‌اند. این سازمان بین‌المللی با رجوع به اطلاعاتی که از طریق همین منابع در اختیارش قرار گرفته چنین نتیجه‌گیری می‌کند که رفتار گردانندگان زندان بگرام با زندانی‌های مستقر در آن مغایر اصول کنوانسیون ژنو است... در واقع مشکل اصلی که موجب وسعت یافتن زندان بگرام شد این بود که این زندان ابتدا به عنوان محل ترانزیت زندانی‌هایی در نظر گرفته شده بود که قرار است به سایر زندان‌های خارجی آمریکا منتقل شوند (مانند گوانتانامو). اما ظاهراً مسوولان آمریکایی در تخمین سرعت و روند انتقال زندانی‌های زندان بگرام به سایر بازداشتگاه‌های تحت مدیریت پنتاگون، مشکلات سایر زندان‌های خارجی خود را کمتر از آن چه هست در نظر گرفته بودند و به همین خاطر رفته رفته شمار زندانی‌هایی که در مرکز بگرام نگهداری می‌شدند، افزایش یافت برای مثال شمار زندانیان این مرکز در آغاز سال گذشته میلادی به پنجصد نفر رسید و اکنون از مرز ششصد نیز گذشته است. اما به رغم گستردگی و شمار زندانیانی که در زندان بگرام تحت بازداشت هستند، این زندان نتوانسته حتی به اندازه بخشی کوچک از توجه عمومی را که بذل مسائل مربوط به زندان گوانتانامو می‌شود به خود اختصاص دهد و همچنان پوشش رسانه‌های بین‌المللی، توجه سیاستگذاران و نمایندگان کنگره آمریکا، و حتی فعالان و مدافعان حقوق بشر در این زمینه تنها به گوانتانامو محدود می‌شود.

تینا فاستر، وکیل و مدافع حقوق بشر مقیم نیویارک که اخیراً به وکالت از سوی زندانیان زندان بگرام دوسیه‌ای علیه پنتاگون در محکمه فدرال ایالات متحده تشکیل داده است درباره این زندان می‌گوید: «مشکل بگرام هنوز حل نشده است و اگر کمتر درباره آن می‌شنویم فقط به خاطر آن است که دولت موفق شده در پنهان‌کاری و مخفی کردن مشکلات این زندان بهتر عمل کند.» به نظر می‌رسد یکی دیگر از دلایلی که باعث شده این مرکز به رغم مشکلات عمیق‌تری که رو در رویش قرار دارد، کمتر از نمونه‌هایی نظیر گوانتانامو مورد توجه قرار گیرد ملیت زندانی‌هایی است که در این مرکز به سر می‌برند.

از جمع بیش از شش صد نفر زندانی که در زندان بگرام هستند فقط سی نفر اتباع کشورهای غیر از افغانستان هستند در حالی که برای مثال اکثر زندانیان گوانتانامو را مبارزان خارجی القاعده از کشورهای مختلف عربی و حتی کشورهای غربی تشکیل می‌دهند. .. اما از سوی دیگر تعداد زیاد زندانی‌های بگرام و روند رو به افزایش شمار آن‌ها به معنای مشکلات بیشتری برای ایالات متحده است چرا که با بیشتر و بیشتر شدن شمار این زندانی‌ها برنامه تحویل مسئولیت زندانی‌ها به دولت افغانستان که از مدت‌ها پیش در دستور کار نیروهای آمریکایی قرار داشته، دشوارتر می‌شود. در همین زمینه، بر اساس توافقنامه دیپلماتیک محرمانه‌ای که بین مقامات آمریکایی و افغانی به امضا رسیده و نسخه پیش‌نویسی از آن را روزنامه نیویارک تایمز منتشر کرده است، دولت آمریکا برای تحویل زندانی‌های بگرام به مراکز تحت نظر دولت دو پیش شرط تعیین کرده بود که یکی از آن‌ها شرایط ویژه و دقیق امنیتی در این زندان بود.

از سوی دیگر روند ساخت زندان، تربیه و تجهیز نیروهای دولتی با مشکلی جدی مواجه شد زمانی که دو افسر آمریکایی مسئول نظارت بر اجرای این پروژه بودند به ضرب گلوله کشته شدند.

شخص ضارب یکی از افراد گارد دولتی افغانستان بود که بعداً مقامات دولتی مدعی شدند وی از نیروهای طالبان بوده که در گارد دولتی نفوذ کرده است. این حادثه موجب شد علاوه بر اخراج بیش از بیست نفر از نیروهای آموزش دیده گارد دولتی (به دلایل امنیتی) پروژه تاخیر بیافتد.